

تحلیل تکنیکال در بازارهای سرمایه

کامیار فراهانی فرد
رضا قاسمیان لنگرودی

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان بازده

۱

فلسفه تحلیل تکنیکال

| | |
|----|---|
| ۱ | |
| ۱ | مقدمه |
| ۲ | فلسفه یا منطق |
| ۵ | تحلیل تکنیکال در برابر پیش‌بینی‌های فاندامنتال |
| ۷ | انعطاف‌پذیری و سازگاری تحلیل تکنیکال |
| ۹ | تحلیل تکنیکال و کارایی آن در بازه‌های زمانی مختلف |
| ۱۰ | پیش‌بینی‌های اقتصادی |
| ۱۰ | تحلیل‌گر تکنیکی یا چارتیست؟ |
| ۱۲ | برخی انتقادات در مورد تحلیل تکنیکال |
| ۱۵ | نظریهٔ ورود تصادفی (Random Walk) |
| ۱۸ | اصول کلی |

۲

نظریهٔ داو

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۲۱ | |
| ۲۱ | مقدمه |
| ۲۳ | اصول مقدماتی |
| ۳۰ | استفاده از قیمت‌های پایانی و خطوط |
| ۳۰ | چند انتقاد به نظریهٔ داو |

| | |
|-----|----------------------------------|
| ۱۹۸ | قانون هفتگی |
| ۲۰۴ | بهینه‌سازی لازم است یا نه؟ |
| ۲۰۵ | خلاصه |
| ۲۰۶ | میانگین متحرک تطبیق‌پذیر (A.M.A) |
| ۲۰۷ | جایگزین‌های میانگین متحرک |

۱۰

| | |
|-----|---|
| ۲۰۹ | اسیلاتورها |
| ۲۰۹ | مقدمه |
| ۲۱۰ | کاربرد اسیلاتورها در رابطه با روند |
| ۲۱۲ | اندازه‌گیری جنبش |
| ۲۱۸ | اندازه‌گیری درجه تغییرات (ROC) |
| ۲۱۸ | ساخت یک اسیلاتور با استفاده از دو میانگین متحرک |
| ۲۲۱ | شاخص کانال کالا (CCI) |
| ۲۲۳ | اندیکاتور قدرت نسبی (RSI) |
| ۲۳۰ | استفاده از سطوح ۳۰ و ۷۰ به عنوان اخطارهای عمومی |
| ۲۳۱ | استوکاستیک‌ها (K%D) |
| ۲۳۵ | %R لری ویلیامز |
| ۲۳۷ | اهمیت روند |
| ۲۳۸ | چه زمانی اسیلاتورها مفیدترین کاربرد را دارند |
| ۲۳۹ | میانگین متحرک همگرایی / واگرایی (MACD) |
| ۲۴۱ | هیستوگرام MACD |
| ۲۴۳ | ترکیب هفته‌ها و روزها |
| ۲۴۴ | تأثیر اخبار فاندamental را بر بازار بررسی کنید |

۱۱

| | |
|-----|---|
| ۲۴۵ | نمودار نقطه و رقم |
| ۲۴۵ | مقدمه |
| ۲۴۶ | نمودار نقطه و رقم در مقابل نمودار میله‌ای |
| ۲۵۰ | ساختار نمودار میان‌روزه نقطه و رقم |
| ۲۵۳ | شمارش افقی |

| | |
|-----|--------------------------------|
| ۱۵۲ | الگوی ادامه‌دهنده سر و شانه‌ها |
| ۱۵۴ | تأیید و واگرایی |
| ۱۵۴ | نتیجه‌گیری |

۷

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۱۵۵ | حجم معاملات |
| ۱۵۵ | مقدمه |
| ۱۵۵ | حجم معاملات به عنوان یک شاخص ثانویه |
| ۱۶۳ | جمع‌بندی اصول حجم معامله |

۸

| | |
|-----|--|
| ۱۶۵ | نمودارهای بلندمدت |
| ۱۶۵ | معرفی |
| ۱۶۶ | اهمیت دوره‌های بلندمدت |
| ۱۶۶ | روندهای بلندمدت تصادفی بودن را انکار می‌کنند |
| ۱۶۷ | از نمودارهای بلندمدت تا نمودارهای کوتاه‌مدت |
| ۱۶۸ | آیا می‌بایست نمودارهای بلندمدت را با نرخ تورم تنظیم کرد؟ |
| ۱۶۹ | نمودارهای بلندمدت برای اهداف معاملاتی مناسب نیستند. |
| ۱۷۰ | مثال‌هایی از نمودارهای بلندمدت |

۹

| | |
|-----|--|
| ۱۷۷ | میانگین‌های متحرک |
| ۱۷۷ | مقدمه |
| ۱۷۹ | میانگین متحرک: ابزاری انعطاف‌پذیر با تأخیر زمانی |
| ۱۹۰ | توسعه میانگین متحرک |
| ۱۹۱ | باندهای بولینگر |
| ۱۹۲ | استفاده از باندهای بولینگر برای تعیین هدف قیمت |
| ۱۹۳ | اندازه‌گیری تغییرات با پهنای باند |
| ۱۹۴ | ارتباط میانگین متحرک و چرخه زمانی |
| ۱۹۵ | کاربرد اعداد فیبوناچی در میانگین‌های متحرک |
| ۱۹۶ | کاربرد میانگین متحرک در نمودارهای بلندمدت |

| | |
|-----|--|
| ۳۶۷ | مدیریت مالی و تاکتیک‌های معامله |
| ۳۶۷ | مقدمه |
| ۳۶۷ | سه عنصر اساسی برای معامله موفق |
| ۳۶۸ | مدیریت مالی |
| ۳۷۱ | معاملات متوالی: باقی ماندن در روند یا تکرار معاملات |
| ۳۷۲ | بعد از دوره‌های سود و یا ضرر چه باید کرد |
| ۳۷۳ | تاکتیک‌های معامله |
| ۳۷۶ | ترکیب عوامل تکنیکی و مدیریت مالی |
| ۳۷۷ | انواع دستورات معاملاتی |
| ۳۷۹ | از نمودارهای روزانه تا نمودارهای تغییرات میان‌روز قیمت |
| ۳۸۱ | استفاده از نقاط محوری نمودارهای میان‌روز |
| ۳۸۲ | خلاصه‌ای از مدیریت مالی و اصول راهنمای معامله |
| ۳۸۳ | استفاده در بازار سهام |
| ۳۸۴ | تخصیص وجه (تقسیم‌بندی سرمایه) |
| ۳۸۴ | مدیریت حساب مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام |

| | |
|-----|--|
| ۳۸۷ | شاخص‌های بازار سرمایه |
| ۳۸۷ | اندازه‌گیری پهنای بازار (measuring market breadth) |
| ۳۸۷ | مقایسه شاخص‌های بازار |
| ۳۸۸ | خط پیشرفت - پسرقت (AD) |
| ۳۸۹ | واگرایی خط پیشرفت - پسرقت (AD) |
| ۳۹۰ | خط AD هفتگی و خط AD روزانه |
| ۳۹۰ | تغییرات در خط AD |
| ۳۹۱ | اسیلاتور مک‌للان |
| ۳۹۲ | شاخص مجموع مک‌للان |
| ۳۹۳ | بالاهای جدید و پایین‌های جدید |
| ۳۹۴ | شاخص بالاهای جدید - پایین‌های جدید |
| ۳۹۵ | حجم معامله صعودی در مقابل حجم معامله نزولی |
| ۳۹۶ | شاخص آرمز (THE ARMS INDEX) |

فلسفه تحلیل تکنیکال

مقدمه

پیش از آنکه مطالعه بر روی تکنیک‌های رایج و ابزارهای تحلیل تکنیکال را شروع کنیم بهتر است که یک تعریف کلی از تحلیل تکنیکال ارائه دهیم. لازم است در ابتدا تفاوت‌های اساسی میان تحلیل تکنیکال و تحلیل فاندامنتال را مشخص کنیم و سپس به انتقادات وارد بر این نوع تحلیل که بارها از سوی منتقدین مطرح شده است پاسخ دهیم.

مؤلفین مجموعه حاضر مراتب قدردانی خود را از آن دسته از منتقدینی که با درک درستی از تحلیل تکنیکال و آگاهی به ادعاهای آن و شناخت توانایی‌های این نوع تحلیل، انتقادات مبتنی بر پایه و اساس فکری و فلسفی را مطرح کرده‌اند، اعلام می‌دارند.

در ابتدا اجازه دهید با طرح این مسئله آغاز کنیم که معنای تحلیل تکنیکال چیست؟ تحلیل تکنیکال مطالعه رفتارهای بازار با استفاده از نمودارها و با هدف پیش‌بینی آینده روند قیمت‌ها می‌باشد.

اصولاً رفتارهای بازار سه اصل اولیه را دربر دارد. قیمت‌ها، حجم معاملات و بهره‌های باز.

خواهید دید که رفتار قیمت همواره در تحلیل‌ها نقش اصلی را دارد و رفتار حجم معاملات و نیز بهره‌ها باز تکمیل‌کننده این اصل می‌باشند. رفتار قیمت و رفتار بازار در خیلی موارد معنای مشابهی دارند و به‌جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

فلسفه یا منطق

سه مبحث ابتدایی به عنوان پایه‌های مباحث فلسفی و منطقی تحلیل تکنیکال به شرح ذیل می‌باشند:

۱- همه چیز در قیمت لحاظ شده است.

۲- قیمت‌ها براساس روندها حرکت می‌کنند.

۳- تاریخ تکرار می‌شود.

همه چیز در قیمت لحاظ شده است

شاید بتوان ادعا کرد جمله «همه چیز در قیمت لحاظ شده است» پایه و اساس تحلیل تکنیکال است. تا زمانی که به درک درستی از این جمله نرسیده باشیم شاید پیشروی یادگیری فن تکنیکال کار بیهوده‌ای باشد.

یک تحلیل‌گر تکنیکال در ابتدا به این باور رسیده است که هر چیزی که بتواند در قیمت تأثیرگذار باشد اعم از فاکتورهای سیاسی، فاندامنتالی، جغرافیایی و یا سایر فاکتورها در قیمت یک سهم لحاظ شده است. پس از درک و پذیرش جمله فوق به عنوان مقدمه تحلیل تکنیکال به این نتیجه می‌رسیم که تحلیل قیمت‌ها تمام آن چیزی است که ما به آن نیاز داریم. برای اثبات عدم صحت این ادعای مغرورانه، زمان زیادی صرف شده و نتیجه‌ای حاصل نشده است. همه تحلیل‌گران تکنیکال (تکنسین‌ها) بر این باورند که تغییرات قیمت تابعی از عرضه و تقاضاست.

چنانچه تقاضا بیش از عرضه باشد آنگاه قیمت صعود خواهد کرد و اگر عرضه بر تقاضا پیشی گیرد قیمت کاهش خواهد یافت. این تغییرات اساس تمام پیش‌بینی‌های اقتصادی و بنیادی می‌باشد. برداشت تکنسین‌ها از این اصل به این صورت است که اگر قیمت به هر دلیلی بالا رفت پس باید تقاضا بر عرضه غلبه کرده و علل فاندامنتالی تأثیر خود را گذاشته باشند و چنانچه قیمت سقوط کرد دلایلی فاندامنتالی و بنیادی بی‌اثر شده‌اند.

جمله عجیب پایانی در مورد فاندامنتال نباید شما را متعجب کند. منطق در این مبحث ما را به اینجا رهنمون می‌کند که یک تحلیل‌گر تکنیکال نیز به نوعی مباحث فاندامنتال و بنیادی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

قریب به اتفاق تحلیل‌گران تکنیکی بر این باورند که نیرویی که جهت عرضه و تقاضا را تغییر می‌دهد برآیند تغییرات فاندامنتال و مربوط به اقتصاد بازار می‌باشد و همین نیرو بر قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد. نمودارها هرگز به تنهایی علت بالا یا پایین آمدن قیمت نیستند. آنها نشان‌دهنده میزان تأثیر یا عدم تأثیر عوامل پایه‌ای بازار هستند.

این یک قانون است که تحلیل‌گر تکنیکی (تکنسین) به هیچ وجه دخالتی در عوامل تأثیرگذار بر قیمت نمی‌کند. بیشتر اوقات در آغاز یک روند و یا در نقطه تغییر جهت قیمت از افزایش به کاهش و یا برعکس هیچ‌کس به طور قطع دلیل این تغییر جهت را نمی‌داند. ولی تحلیل‌گر تکنیکی به سادگی و با استفاده از الگوها می‌تواند این تغییر را به موقع شناسایی کند و پایداری آن را بسنجد.

باید در خاطر داشت که مادامی که یک تحلیل‌گر تکنیکی بر این عقیده باقی بماند که همه چیز در قیمت لحاظ شده است موفق خواهد شد که از بسیاری از افراد باتجربه بازار (که از این ابزار استفاده نمی‌کنند) سود بیشتری کسب کند.

پذیرش جمله «همه چیز در قیمت لحاظ شده است» به عنوان اولین قدم مساوی است با پذیرش اهمیت بررسی قیمت.

با استفاده از بررسی روند قیمت به کمک ابزارهای تکنیکی مختلف مانند نوسانگرها، یک تحلیل‌گر تکنیکال می‌تواند بهترین گزینه‌ها را تشخیص دهد و انتخاب کند.

یک تحلیل‌گر لزوماً نیایستی از بازار باهوش‌تر باشند و یا قادر باشد که پیش‌بینی‌های متحیرانه‌ای درباره تغییرات قیمت انجام دهد. او می‌داند که دلایل زیادی برای نوسان قیمت وجود دارد و صرفاً بر این باور است که لزومی به دانستن این دلایل برای پیش‌بینی تغییرات قیمت وجود ندارد.

قیمت‌ها براساس روندها حرکت می‌کنند

ضروری است که این مفهوم را بپذیریم که قیمت‌ها براساس روندها حرکت می‌کنند. در اینجا نیز - همانند قسمت قبل - تا زمانی که به باور این اصل نرسیده باشیم مطالعه صفحات آتی کتاب کار بی‌فایده‌ای است.

هدف از ترسیم نمودار قیمت، شناسایی روند و پیش‌بینی جهت حرکت این روند